



آخرین صحابی و نخستین زائر حسینی / آیا جابر در روز اربعین کاروان اهل بیت (ع) را هم زیارت کرد؟ یکی از راههای عمیق و در عین حال ساده و آسان برای شناخت اسلام و آثار سازنده آن، مطالعه زندگی اصحاب خاص پیامبر (ص) و امامان معصوم (ع) است.

یکی از راههای عمیق و در عین حال ساده و آسان برای شناخت اسلام و آثار سازنده آن، مطالعه زندگی اصحاب خاص پیامبر (ص) و امامان معصوم (ع) است؛ آنها که تا آخر عمر در خط پیامبر و امامان بودند و از جانب آن بزرگواران مورد تایید قرار گرفتند.

یکی از راههای عمیق و در عین حال ساده و آسان برای شناخت اسلام و آثار سازنده آن، مطالعه زندگی اصحاب خاص پیامبر (ص) و امامان معصوم (ع) است؛ آنها که تا آخر عمر در خط پیامبر و امامان بودند و از جانب آن بزرگواران مورد تایید قرار گرفتند.

جابر بن عبد الله انصاری از افراد نادری است که به راستی شاگرد فهیم، عارف، پارسا، مجاهد و وارسته پیامبر (ص) بود. وی بیش از ۹۰ سال عمر پربرکت و خود را در راه اسلام و گسترش آن صرف کرد و شیرمردی مخلص و نستوه، عابدی وارسته و عاشق و عالمی پرتلاش بود. جابر پنج امام را درک کرد، از شاگردان و یاران مخصوص همه آنها بود و در نشر اندیشه آنان، سهمی بزرگ داشت. جابر بن عبد الله انصاری کسی بود که هم اسلام او را پرورش داد و هم او موجب رشد و گسترش اسلام شد. او در این میدان، گویا سبقت از همگنان ربود و چنان درخشید که وی را از اصفیا و می دانند. او به دو موضوع، که در مکتب اسلام بسیار مهم و سرنوشت ساز است، اهمیت بسیار می داد:

۱- پاسداری و نگهبانی عمیق و جدی از خط راستین ولایت و رهبری امامان برحق

۲- نقل و نشر احادیث پیامبر و امامان (ع) و گسترش فرهنگ اسلام

او چنان به نشر روایات اهمیت می داد که در تمام کتب احادیث اسلامی، نام او به عنوان ناقل حدیث و ناشر فرهنگ اهل بیت (ع) می درخشد. پس ضروری است که زندگی این بزرگوار را مورد مطالعه قرار داده، از آن درس گیریم و در زندگی خود به کار بندیم.

جابر کیست؟

جابر بن عبد الله انصاری، یار باوفای پیامبر (ص) و شیفته حق و پاسدار جان برکف اسلام حدود پانزده سال قبل از هجرت در مدینه و در خانواده ای محترم، از خاندان خورج متولد شد. پدر جابر عبد الله بن عمرو و از نخستین کسانی است که قبل از هجرت پیامبر (ص) از مکه به مدینه، اسلام را پذیرفت. او تمام زندگی اش را وقف گسترش اسلام کرده بود و بیش از صد سال داشت. در جنگ بدر شرکت کرد و در جنگ احد به درجه رفیع شهادت دست یافت. نام مادر جابر نسیمه بود و دختر، عقبه بن عدی به شمار می آمد.

جابر در عصر پیامبر

هنگامی که پدر جابر به شهادت رسید، جابر نه خواهر داشت. گروهی بر این باروند که جابر پنج فرزند داشت، سه پسر که عبد الرحمن، محمد و حمید نام داشتند. و دو دختر که میمونه و ام حبیب خوانده می شدند. به سبب نام پسرهایش، جابر را ابو عبد الرحمن و ابو محمد و گاه ابو عبد الله می خواندند. جابر در عصر پیامبر (ص) عنصری پاک، مجاهدی مخلص و صحابی رسول خدا (ص) شمرده می شد و همراه پیامبر (ص) در نوزده غزوه شرکت کرد. امام باقر (ع) فرمود: از جابر بن عبد الله انصاری شنیدم که می گفت: از رسول خدا (ص) در مورد سلمان پرسیدم، فرمود: سلمان دریای علم و معرفت است که نمی توان به آخر آن رسید. سلمان دارای علم گذشته و آینده است. خداوند دشمن دارد، کسی را که با سلمان دشمنی کند و دوست دارد آن را که با سلمان دوستی ورزد. عرض کردم در باره ابوذر غفاری، مقداد، و عمار یاسر چه می فرماید؟ حضرت پاسخ را تکرار کرد. از محضر رسول خدا (ص) بیرون آمدم، تاین چهار تن (سلمان، ابوذر، مقداد، عمار یاسر) را دیدار کنم و به آنها بشارت دهم. وقتی از حضور رسول خدا (ص) حرکت کردم، فرمود: ای جابر و انت منا، ابغض الله من ابغضک و احب من احبک؛ ای جابر، تو از خاندان ما هستی، خداوند دشمن دارد آن را که با تو دشمنی ورزد و دوست دارد آن را که با تو دوستی کند.

وصیت مخصوص پیامبر به جابر

از ویژگی های جابر بن عبد الله انصاری، وصیت پر راز و رمز رسول خدا (ص) به اوست. این امر شگفت انگیز بیانگر مقام ارجمند و شخصیت عظیم جابر است. رسول خدا (ص) به جابر فرمود: امید آن است که عمر

طولانی کنی تا فرزندی از من را که از نسل حسین(ع) است و محمد نام دارد، ببینی که علم دین را می‌شکافد و تشریح می‌کند. وقتی او را ملاقات کردی، سلامم را به وی برسان.راquo

جابر بعد از پیامبر

از گفتار و روش جابر و قرائن بسیار استفاده می‌شود که جابر بن عبد الله انصاری، بعد از رحلت پیامبر(ص)، هیچگاه به راه دیگران نرفت و با کمال شهامت در خط راستین اسلام پابرجا ماند. او از افراد نادری است که فراز و نشیب‌ها وی را نلغزاند. ابو زبیرمکی می‌گوید: جابر را دیدم بر عصایی تکیه داده، از کوچه‌های مدینه عبور کرد، به محل اجتماع مردم مدینه آمد و گفت: لاquo علی خیر البشر فمن ابی فقد کفر، معاشر الابصار ادبوا اولادکم؛ علی حب علی - علی(ع) بهترین انسانهاست، پس هرکس منکر این موضوع شود، راه کفر پیموده است. ای مردم مسلمان مدینه، فرزندان خود را بر اساس دوستی و عشق علی(ع) تربیت کنید، هر کس مانع از آن شد، بنگرید که مادرش چگونه او را زاده است.راquo

ناشر افکار خاندان نبوت

تلاش بی‌وقفه از ویژگی‌های جابر بود. در نشر افکار و فرهنگ امامان(ع) در زمانی که دشمنان برای پوشاندن فرهنگ اهل بیت(ع) تلاش می‌کردند، جابر گاه برای دریافت حدیثی از پیامبر(ص) از مدینه به سوی شام (با وسایل آن زمان) حرکت می‌کرد. در مورد وثاقت جابر، امام باقر(ع) فرمود: لاquo جابر هرگز دروغ نمی‌گوید.راquo در این باره، تاریخ‌نویسان گفته‌اند: لاquo و کان من المکثرین فی الحدیث، الحافظین للسنن.راquo جابر در نقل گفتار و فرهنگ اسلام بسیار کوشا بود و از پاسداران سنت‌های اسلام به‌شمار می‌آمد.

یاور امام زمان

بعضی از دانشمندان و سیره‌نویسان، تأویل معنای آیه لاquo ان الذی؛ فرض علیک القرآن لراک الی معاد؛ را به رجعت جابر با امام زمان حضرت مهدی(عج) مربوط می‌دانند. شاید رسول خدا(ص) یا یکی از امامان(ع) با خواندن آیه فوق به جابر بشارت داد که هنگام ظهور حضرت مهدی زنده می‌شوی؛ از یاران نزدیک و مخلص آن حضرت خواهی بود و در تثبیت و گسترش حکومت جهانی آن حضرت نقش بسزایی بر عهده خواهی داشت.

نخستین زائر کوی حسینی

آنچه بر شهرت جابر افزود و نام او را جهانی و جاودانه ساخت، این بود که در روز اربعین سال ۶۱ هجری، به عنوان نخستین زائر؛ کنده مرقد شریف امام حسین(ع) به کربلا آمد و به زیارت پرداخت.راquo پیوند مقدس و مخلصانه با امام حسین به او رنگ حسینی داد و او در کنار امام حسین بر قله رفیع جهان و زمان قرار گرفت؛ زیرا زیارت او زیارتی معمولی نبود، بلکه زیارتی سیاسی و انقلابی و پایه‌گذار شکستن زرق و برق طاغوت زمان(یزید) و طاغوت‌های دیگر بود. این زیارت چون پتکی بر سریزیدیان و بردگان زر و زور فرود آمد. گویا خداوند می‌خواست تاجابر در پرتو نور حسینی در همه جا حضور یابد و شیوه‌اش، الگویی برای مسلمانان راستین گردد.

چگونگی زیارت جابر

عطیه عوفی؛ می‌گوید: من با جابر بن عبد الله انصاری به زیارت قبر حسین(ع) رفتم. وقتی به کربلا رسیدیم، جابر نزدیک شط فرات رفت، غسل کرد. قطیفه‌ای به کمر بست و قطیفه‌ای دیگر بر دوش افکند. سپس کیسه‌ای؛ که همراهش بود، گشود و از آن آرد سعد؛ (ریشه خوشبوی کوفی) بیرون آورد و خود را خوشبو کرد. سپس به طرف مرقد شریف امام حسین حرکت کرد. در حالی که مشغول ذکر خدا بود، خود را نزدیک قبور رساند و گفت: لاquo مرا به قبر حسین برسان تا آن را لمس کنم.راquo دستش را گرفتم و به قبر رساندم. هنگامی که دستش به خاک مرقد حسین رسید، از شدت اندوه بیهوش شد و به روی قبر افتاد. من بر وی آب پاشیدم. وقتی به هوش آمد، سه بار گفت: لاquo یا حسین؛ یا حسین؛ یا حسین؛ یا حسین؛ سپس گفت: لاquo حبیب لا یحب حبیبه؛ آیا دوست؛ جواب دوستش را نمی‌دهد؟! بعد گفت: لاquo چگونه جواب دهی که خون از رگ‌های گلویت بر سینه و شانه‌ات فرو ریخته و میان سر و بدنت جدایی افتاده است! من گواهی می‌دهم تو فرزند بهترین پیامبران و سرور مؤمنان و اسوه تقوا و پرهیزکاری و زاده هادیان و رهبران، و پنجمین تن از اصحاب کسا، فرزند بزرگترین نقبا - علی(ع) - و فرزند سرور زنانی. چرا چنین نباشی که دست رسید المرسلین تو را پروراند، در دامن پرهیزکاری بودی، از پستان ایمان شیر خوردی، با اسلام از شیر بازگرفته شدی و در زندگی و هنگام مرگ پاک بودی. قلب مؤمنان، از

فراقت؛ سوخت. آنها شک ندارند که تو زنده؛ ای، سلام؛ و خوشنودی خدا بر تو باد. گواهی می‌دهم؛ داستان تو مانند جریان؛ شهادت حضرت یحیی بن زکریا بود. (که طاغوت زمان سر از پیکرش جدا کرد.)؛

عطیه عوفی می‌گوید: سپس جابر، به اطراف قبر امام؛ حسین(ع) متوجه شد و سایر شهیدان کربلا را چنین زیارت کرد:؛ درود و سلام بر شما ارواحی که در محور قبر امام حسین جای؛ گزیدید. و شتر خود را در آستان او خوابانیدید. گواهی می‌دهم؛ شما نماز را به پا داشتید و زکات را ادا کردید و امر به معروف؛ و نهی از منکر انجام دادید و با منحرفان و ملحدان جنگیدید. شما خدا را عبادت کردید تا مرگتان فرا رسید. سوگند به خدایی؛ که محمد(ص) را به راستی فرستاد، ما با شما در آنچه بدان وارد شدید، شریک بودیم.

عطیه عوفی می‌گوید: از او پرسیدم که ما چگونه در جهاد و پیکار آنها (شهیدان کربلا) شرکت داریم؟ مادر فراز و نشیب همراه آنها نبودیم و شمشیر نکشیدیم، ولی این؛ شهیدان جانبازی کردند، به گونه؛ ای که سرهایشان از بدنشان جدا شد و فرزندانشان یتیم و زنانشان بیوه گشتند؟ جابر در پاسخ؛ گفت:؛ ای عطیه، از حبیب خود رسول خدا شنیدم که می‌گفت: هر کس؛ قومی را دوست؛ بدارد، با آنها محشور می‌شود و هر کس عمل قومی را دوست؛ بدارد، در آن عمل با آنها شریک است. سوگند به خداوندی که؛ محمد(ص) را به راستی فرستاد، نیت من و اصحاب همان نیت امام؛ حسین(ع) و اصحاب اوست؛ نیتی که بر اساس آن به شهادت رسیدند.؛

دیدار با امام سجاد
آیا جابر در روز اربعین کاروان اهل بیت(ع) را نیز زیارت کرد؟ در این باره چند نظر وجود دارد: ۱- امام سجاد و همراهانش در همان اربعین اول (۲۰ صفر سال ۶۱؛) از شام به کربلا آمد و در همان روز با جابر ملاقات کردند.
۲- این ملاقات، در اربعین دوم همان سال یا در اربعین سال بعد(سال ۶۲ هجری) تحقق یافت.
۳- جابر و همراهان در اربعین اول سال ۶۱ هجری به زیارت قبر امام حسین توفیق یافتند، ولی ملاقات اهل بیت(ع) بعد از خروج از کوفه، در مسیر خود به شام نخست؛ به کربلا آمدند، به زیارت پرداختند و سپس به شام رفتند. آنها در این روز که؛ مصادف با اربعین بود با جابر و همراهانش ملاقات کردند.
به نظر می‌رسد؛ رسد که نظر سوم از بقیه مناسبتر است.

نام جابر بر ضریح امام حسین
جالب توجه اینکه در بالای ضریح مقدس امام؛ حسین(ع) که به وسیله؛ شیعیان از هندوستان تهیه شده و ۵۵ متر دراز و ۴۵ متر پهنا دارد، با آب طلای خالص آیه نور و پس از آن، این حدیث نبوی؛ نگاشته شده است:؛ یا جابر زر قبر الحسین فان زیارته تعدل؛ ماه حجه و ان قبر الحسین بن علی ترعه من ترعه الجنة؛ و ان؛ کربلا ارض الجنة؛ ای جابر، قبر حسین را زیارت کن؛ زیرا پاداش زیارت قبر حسین با پاداش انجام دادن صد حج (مستحبی) برابر است و در حقیقت قبر حسین بن علی(ع) گلزاری از گلزارهای؛ بهشت است؛ و زمین کربلا، زمین بهشت؛ به شمار می‌آید. جابر به؛ سفارش پیامبر(ص) عمل کرد و به عنوان نخستین زائر، در موقعیتی؛ دشوار، این سنت عظیم را بنیان نهاد.

رحلت جابر
پس از آن که جابر، پیام رسول خدا(ص) را به امام باقر رساند، امام باقر(ع) به جابر فرمود: وصیت؛ خود را آماده کن؛ زیرا تودر مسیر حرکت؛ به سوی خدایی! قطرات اشک از چشمان جابر سرازیر شد و به امام باقر عرض کرد: آقای من، این خبر را قبل از شما رسول خدا به من داد و فرمود:؛ چند روز پس از دیدار با محمد بن علی (امام باقر) از دنیای می‌روی.؛ امام باقر(ع) فرمود:؛ ای جابر، سوگند به خدا، خداوند علم گذشته و حال و آینده تا روز قیامت را به من عنایت؛ فرموده است.؛ جابر وصیت کرد و آماده سفر شد. و سر انجام در ۷۳ یا ۷۴ یا ۷۸ قمری در ۹۴ سالگی در مدینه از دنیا رفت. طبق بعضی از روایات، امام صادق(ع) فرمود: جابر، آخرین نفر از اصحاب بود که باقی مانده بود. ابان بن عثمان، که در آن وقت؛ حاکم مدینه بود، بر جنازه جابر نماز خواند. او به فرزندان جابر پیام فرستاده بود وقتی پدرتان از دنیا رفت، او را به خاک نسپارید تا من بر جنازه؛ اش نماز بخوانم. زیرا حاکمان نماز خواندن بر جنازه بزرگان را امتیاز و افتخار می‌دانستند.

اگرچه جابر بن عبد الله انصاری، در میدان نبرد با دشمن به شهادت؛ نرسید، ولی با شمشیر قلم و بیان و در مسیر مبارزه پیوسته بادشمنان بود. او با افشاگری هایش بینی دشمنان کینه؛ تو را به؛ خاک مالید و از حریم مقدس

امامان معصوم دفاع کرد. بی‌تردید، جابر از مصداق های روشن این سخن رسول خدا(ص) به شمار می‌رود؛
«اذا كان يوم القيامة يوزن مداد العلماء مع دماء الشهداء فيرجح مداد العلماء على دماء الشهداء»؛ هنگامی
که روز قیامت می‌شود، مرکب قلم دانشمندان را با خون شهیدان می‌سنجند؛ پس مرکب قلم
دانشمندان بر خون شهیدان برتری می‌یابد.